

## عنوان مقاله:

نقش آموزش و پرورش و مدرسه و خانواده در آموزش علوم اجتماعی

## محل انتشار:

اولین کنفرانس بین المللی انقلاب علوم انسانی اسلامی (سال: 1403)

تعداد صفحات اصل مقاله: 14

## نویسنده:

شیما حاجیان نصرآبادی - کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی دانشگاه آزاد یزد

## خلاصه مقاله:

بی شک خانواده، به عنوان نهادی مقدس و بی بدیل، نخستین، مهم ترین و اصلی ترین پرورشگاه و آموزشگاه فرد محسوب می شود و یکی از نهادهای آموزشی و پرورشی عمده جامعه است. بنابراین بیان هر گونه سخن و اندیشه ای درباره تربیت کودکان و نوجوانان و داشتن هر گونه انتظاری از آنان بی توجه به نقش حیاتی خانواده، سخن و اندیشه ای نادرست قلمداد می شود و انتظاری عبث و بیهوده است. در تعلیم و تربیت فرزندان سوالهای مهمی مطرح هستند (مانند سوالهای مطرح شده) که همه ما پدران و مادران، معلمان و مربیان باید صمیمانه و صادقانه به آنها بیندیشیم و پاسخ مناسب بدهیم. اساس یک جامعه سالم را خانوادههای سالم می سازد. هر فردی در خانوادههای به دنیا می آید، بزرگ می شود و تکامل می یابد. این خانواده سالم است که انسان سالم پرورش می دهد. خانواده سالم، خانوادهای است که به نیازهای همه جانبه اعضای خود در گستره حیات توجه دارد و سعی می کند به انتظارات و نیازهای آنان به شیوههای درست پاسخ دهد. خانواده سالم، خانوادهای است که در اندیشه پرورش انسانهای رشید است و انسانهای رشید، کسانی هستند که به رشد همه جانبه نایل شدهاند. بدیهی است برای نایل شدن به رشد همه جانبه، توجه به نیازهای همه جانبه و آموزش همه جانبه ضروری است. توسعه انسانی رکن اصلی توسعه پایدار است و باید برای ارتقای کیفیت آموزش در کشور تلاش شود. وظیفه آموزش و پرورش در جامعه شناخت و حل نیازهای فکری جوانان است. تعلیم و تزکیه نفس و آموزش فلسفه معانی زندگی به نسل های آینده از مهمترین وظایف معلمان است. در جامعه ای که علم و دانایی، محور توانمندی و توسعه جوامع بشری باشد ارتقای کیفی آموزش و تربیت نسلی پرسشگر و خلاق امری ضروری است. توسعه کمی و کیفی آموزش، توسعه مشارکت عمومی، ارتقای سلامت و بهسازی منابع انسانی از مهمترین اولویتهای کاری آموزش و پرورش می باشد.

## کلمات کلیدی:

دانش آموزان، معلمان، خانواده، مدرسه، علوم اجتماعی.

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/2087350>

